

يك اظهارنظر ساده "از يك معلم شهرستانی ساده"

پیمان نودینیان

پنجم بهمن ماه هشتاد و شش

مدتی است که موضوع مهمی ذهن فعالین صنفی را به خود مشغول کرده است. و بحث و جدل های فراوانی به وجود آمده است. پرسش اینگونه مطرح شده است که در شرایط موجود بهتر است صنفی بمانیم یا سیاسی شویم؟ لازم به تذکر است که مغلطه ای صورت گرفته که باید اصلاح شود. و آن ترم یا واژه سیاسی است.

اول باید پرسید سیاسی بودن به چه معناست؟ در پاسخ باید اذعان داشت که هر فعالیت آگاهانه ای در جهت بهبود وضعیت اقتصادی (معیشتی)، اجتماعی عمل سیاسی تلقی میشود. بنابراین هرگونه اعتراض به وضعیت معیشت، اعتراض به مکانیسم و مناسبات اقتصادی بوده و هرگونه تلاش عینی جهت رفع کمبودها و تحقق واقعی عدالت باز عملی کاملاً سیاسی است.

پس به حکم این که انسان موجودی متفکر بوده و از آغاز تا به امروز در تلاش مداوم برای تغییر جایگاه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش بوده، موجودی سیاسی است. احزاب، سندیکاها و نهادهای اجتماعی تماماً سیاسی بوده و هستند.

حال نتیجه می گیریم سیاسی بودن و تحلیل سیاسی داشتن نه تنها مذموم نیست بلکه کاملاً پسندیده می باشد. و زندگی در خلا مفهومی ندارد. ولی آنچه مهم است این است که گروه ها در چه مختصاتی قرار داشته و طبقات مختلف اجتماعی با چه ابزارهایی و به نفع چه کسانی وارد عرصه سیاسی میشوند.

در جامعه ای که همه ی گروه ها در حال بدست آوردن منافع خود هستند، منافع معلمان ما چگونه بدست می آید؟ آیا باید شعور معلمان فر هیخته چون ابزاری تلقی شود که ورشکستگان سیاسی را به قدرت برساند؟ جمعیت بالای معلمان و دانش آموزان و خانواده هایشان تمام گروه های سیاسی موجود را وسوسه می کند که با دادن وعده های متعدد فعالان صنفی را به سوی خود جلب کنند.

پرسش دیگر این است که چرا نباید با گروه های سیاسی موجود ائتلاف کرد؟

قبل از هر چیز باید گفته شود اگر این روزها خیلی از شخصیت حقیقی سخن به میان می آید این شخصیت ها به شکل خلق الساعه به وجود نیامده اند. ممکن است در ایران هزاران نفر کاندید شوند کسی کاری ندارد ولی اگر این آقایان افراد مطرح جنبش های اجتماعی باشند بسیار موثر هستند. و علت انتخاب آنان از سوی گروه های سیاسی بر همین اصل است. کا نونهای صنفی در بدو پیدایش با اعلام استقلال خود از منافع واقعی توده معلمان، آنانکه هیچ گاه مورد حمایت جدی قرار نداشته اند دفاع نموده است.

در این راه هزینه های گزافی رانیز پرداخته است. و نظارت زمانی معنا می یابد که در کنار همکاران ایستاد و در هر شرایط از حقوق سندیکایی ایشان دفاع نمود و با داخل شدن در قدرت و شرکت در زد و بندهای سیاسی این امر متحقق نخواهد شد. این همکاران عزیز گویا حافظه تاریخی خود را از دست داده اند. در هنگام حضور دولت اصلاحات تمام

فعالیت دوستان مورد بی مهری شدید دولت، گروه‌های سیاسی دوم خردادی و مطبوعات آنها قرار می‌گرفت و همیشه ما را از عوامل جناح راست به حساب آورده و اخبار صنفی ما توسط آزاد اندیشان اصلاح طلب سانسور می‌شد.

اما ما همچنان مستقل ماندیم و همکارانمان در دورترین روستاهای ایران دیدند که در سختترین شرایط فعالین کانونها صادقانه در جهت رفع تبعیض تلاش می‌کنند. و این اصل مهم راز ماندن و اعتبار کانونها شد. شگفتا اینکه کسانی که هرگز اجازه ی حضور در جلسات ما را نداشتند امروز با ما حزب تشکیل می‌دهند. تا ما با رای همکاران حضورشان را مسجل کنیم. با این خیال باطل که بیشتر بر آنان نظارت کنیم. اولین تاثیر منفی این اقدام برای کانونها ایجاد شکاف و به شکست کشاندن حرکت معلمان به عنوان منسجم ترین بخش از جنبش کارگری است.

دوم اینکه در روزهای اخیر با انتشار این خبر موقعیت و اعتبار بعضی از دوستان به شدت متزلزل شد، و در نتیجه اعتماد همکاران به کانونها در حال از دست رفتن است. چون آنان معتقد شده اند که کانونها چونان ابزاری برای به قدرت رساندن پاکبخته های سیاسی از همکاران استفاده می‌کنند. در نتیجه کانونها تبدیل به نهادهایی میشوند که درکنار قدرت ایدئولوژی سلطه پذیری رادر طبقات فرودست نهادینه می‌کنند و آن سان مرگ کانونها حادث می‌شود.

امروزه اخلاق گرایی سیاسی توسط روشنفکران ما رنگ باخته است. و هر برج عاج نشینی به سرزنش کردن آن برمی‌خیزد.

البته برای کسانی که در پی فروختن کالای تقلبی سیاسی خود هستند. برای بدست آوردن قدرت هرروشی جایز بوده و بستن پیمان با هرطیفی، تقلب، دادن وعده های خلاف واقع و راست و انتظار اخلاقی از هر پدیده ای احمقانه به نظر می‌رسد. در جواب این آقایان باید گفت:

فعالین راستین صنفی تا کنون بدون هیچ چشم داشتی و در نهایت توان به تلاش خود ادامه داده اند.

ما با تمام وجود به دفاع از صداقت دانش و بچه های فردا برخاسته ایم، چیزی که هرگز در مغز کاسبان سیاسی امروز نمی‌گنجد. و درتحلیل های سیاسی ما نیز کرامت و ارزش انسانی موج می‌زند. و همواره بدان پایبند خواهیم ماند.

پیمان نودینیان

معلم تبعیدی کردستانی

کانون صنفی معلمان ایران

پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۶